

جغرافیا و توسعه - شماره ۱۵ - پاییز ۱۳۸۸

وصول مقاله: ۱۳۸۵/۱/۲۸

تأیید نهایی: ۱۳۸۷/۷/۱۰

صفحات: ۲۰-۵

## تحلیلی بر اندازه‌گیری و تبیین خط فقر و سیاست‌های فقرزدایی در استان یزد

میرنجف موسوی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری جغرافیا دانشگاه پیام نور رضوان شهر صدوق

دکتر کرامت‌اله زیاری

استاد جغرافیا دانشگاه تهران

### چکیده

هدف از این مطالعه، بررسی و تحلیل و تبیین خط فقر و ارایه سیاست‌های فقرزدایی در استان یزد است. روش پژوهش «توصیفی - تحلیلی» است. برابر بررسی‌های صورت گرفته، ده درصد ثروتمندترین جمعیت به ده درصد فقیرترین جمعیت در مناطق شهری و روستایی استان یزد به ترتیب ۱۱/۰۴ و ۱۸/۱۶ درصد بوده است. این ارقام در سطح کشور به ترتیب ۱۵/۵ و ۱۳/۴ درصد می‌باشد. ارقام نشان می‌دهد که توزیع درآمد در جامعه شهری استان یزد نسبت به جامعه شهری کشور و جامعه روستایی استان از وضعیت بهتری برخوردار است. حدود ۳۷ درصد از افراد جامعه شهری و ۲۴/۶ درصد از افراد جامعه روستایی زیرخط فقر زندگی می‌کنند. محاسبات حاصل از مدل آمار تیاسن و کاکاوانی نیز بیانگر آن است که اگر افراد بالای خط فقر شهری و روستایی به ترتیب ۵/۶ و ۱/۹ درصد از هزینه‌هایی را که انجام می‌دهند به افراد زیرخط فقر از طریق ایجاد صندوقی در سازمان تأمین اجتماعی، منتقل کنند در آن صورت تمامی افراد زیرخط فقر به خط فقر خواهند رسید. علاوه بر راهبرد فوق، با به‌کارگیری راهبردهایی همچون، سیاست مالیات‌های منفی بر درآمد، گسترش دارایی‌های تولیدی طبقات، تغییر در توزیع درآمد و افزایش و بهبود فرصت‌های شغلی می‌توان فقر و نابرابری را کاهش داد. در غیر این صورت نه تنها فقر و نابرابری تقلیل نخواهد یافت بلکه روز به روز بیشتر و عمیق‌تر خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: توزیع درآمد، فقر، خط فقر، سیاست‌های فقرزدایی، استان یزد.

### مقدمه

امروزه فقر و نابرابری به عنوان مهم‌ترین چالش جامعه بشری، فراروی جهانیان خودنمایی می‌کند و جمعیتی بیش از ۱/۲ میلیارد نفر را در برمی‌گیرد (بانک جهانی، ۱۳۸۱: ۹). گسترش فقر و نابرابری در کنار تخریب رو به تزاید منابع و چالش‌های فرهنگی، از معضلات مهمی است که کارشناسان موضوعی و سیاستگذاران و برنامه‌ریزان امر توسعه در سطح ملی و بین‌المللی با

آن دست به گریبان‌اند (گایه‌ها، ۱۳۷۸: ج). اهمیت این موضوع آن چنان حیاتی است که سران کشورها طی دهه‌های گذشته، نگرانی‌ها و دغدغه‌های خود را نسبت به این موضوع و ابعاد آن، در نشست‌های بین‌المللی متعدد و سایر مرحله‌های سیاسی نمایان ساخته‌اند. این معضلات در بستر جهان سوم از عمق پیچیدگی بیشتری برخوردار است. به‌طوری که شکاف عمیق در درآمد و ثروت، موجب شده سطح زندگی اکثریت جمعیت شهری و روستایی آن چنان پایین باشد، که حتی برخی از آنها نه تنها سرپناهی نداشته باشند، بلکه از سوء‌تغذیه نیز رنج ببرند (گیلبرت و گاکلر، ۱۳۷۵: ۲۸۹). این اقشار فقیر، علی‌رغم کار و زحمت فراوان، همیشه مجبور بوده‌اند که شاهد رنج و گرسنگی فرزندان، کم‌غذایی بزرگسالان، مرگ و میر بالای افراد خانواده، عدم دسترسی به مسکن و سرپناه مناسب، فقدان هر نوع تأمین اقتصادی - اجتماعی آینده و عجز و درماندگی خود در چاره‌یابی باشند (عظیمی، ۱۳۸۳: ۱۹۸).

شاید بتوان گفت مهم‌ترین دلیل این نابرابری‌ها ناشی از بی‌توجهی سیاست‌های اقتصادی به اقشار پایین‌دست جامعه است. زیرا که تا چندی قبل بسیاری از سیاست‌های اقتصادی در کشورهای در حال توسعه تأکید بر رشد اقتصادی به جای توزیع متعادل درآمد و رفع نابرابری‌های شدید درآمدی میان جامعه بود. به طوری که نابرابری زیاد درآمدها را لازمه‌ی رشد اقتصادی می‌شمردند و چنین استدلال می‌کردند که ثروتمندان نسبت به فقرا درصد قابل توجهی از درآمدهایشان را پس‌انداز می‌نمایند و انباشت پس‌اندازها است که می‌تواند به نوبه خود سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را امکان‌پذیر سازد (طاهری، ۱۳۷۶: ۱۷۵).

در ایران اگرچه بعد از انقلاب اسلامی جهت‌گیری‌های شدیدی بر مبارزه با فقر صورت گرفته است و موجب ارتقاء سطح رفاه جامعه گشته است، ولی تشدید تورم و توزیع نابرابری امکانات و درآمد طی دهه‌های اخیر به‌ویژه مراکز شهری موجب شده است که مسأله‌ی فقر همچنان به عنوان مهم‌ترین معضل اجتماعی - اقتصادی محسوب گردد. شناسایی و سنجش ابعاد این معضلات در نقاط شهری و روستایی نه تنها ضرورتی برای کاهش فقر و نابرابری است بلکه ضرورتی برخاسته از ارزش‌های اعتقادی و انسانی است. ارزش‌هایی که در عصاره‌ی هستی انسان قرار می‌گیرند.

بنابراین مقاله‌ی حاضر درصدد است با استفاده از آمار و اطلاعات درآمد و هزینه‌ی خانوار شهری و روستایی، ابتدا چگونگی توزیع نابرابری ثروت و درآمد در نقاط شهری و روستایی استان را بررسی کند، سپس میزان خط فقر را شناسایی نموده با استفاده از مدل‌های رایج در زمینه‌ی فقر، شکاف و پوشش فقر را در نقاط شهری و روستایی استان محاسبه نماید و در نهایت سیاست‌هایی را در جهت کاهش فقر و فقرزدایی ارائه دهد.

## چارچوب نظری

نگاهی به نوشتارها و مطالعات صورت گرفته در زمینه‌ی فقر نشان می‌دهد که توافق عام و کلی روی تعریف خاصی از فقر وجود ندارد، زیرا که نیازها و خواسته‌های مادی و غیرمادی افراد در زمان و مکان‌های مختلف متفاوت است. بنابراین آرایه‌ی تعریف واحدی از فقر که بتواند در مقطع زمانی خاص برای جوامع مختلف صدق کند دشوار است. لذا برای مشخص کردن فقرا از غیرفقرا از ابزار خط فقر می‌توان استفاده نمود که در زیر به تعریفی از خط فقر مطلق و نسبی مبادرت می‌شود. خط فقر مطلق به مفهوم سطح ثابتی از درآمد حقیقی است و یک حداقل کافی از استاندارد زندگی را برای یک خانوار تأمین می‌کند (کازرونی، ۱۳۷۵: ۱۳۶). مطابق تعریف سازمان ملل متحد، خط فقر میزان درآمدی است که علاوه بر تأمین حداقل نیازهای اولیه و ضروری مانند غذا، پوشاک، مسکن، تحصیل، همچنین فرهنگ و تفریح را می‌پوشاند (پروین و زیدی، ۱۳۸۰: ۱۳۴). به عبارت دیگر مقدار درآمدی است که با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه مورد بررسی، برای تأمین حداقل نیازهای ضروری افراد مانند غذا، پوشاک و مسکن لازم است (ابوالفتحی‌قمی، ۱۳۷۱: ۱۰۰). این روش تعیین خط فقر را روش نیازهای اساسی گویند.

این نوع فقر از نابرابری توزیع درآمد در جامعه و عدم تعادل‌های اجتماعی ناشی می‌شود. بنابراین ممکن است در جامعه‌ای فقر مطلق وجود نداشته باشد ولی در عین حال جامعه‌ی مزبور با فقر نسبی گسترده‌ای مواجه باشد (فتحی‌پور و کاشفی‌امیری، ۱۳۷۹: ۳۷). برای اندازه‌گیری این نوع خط فقر، درآمد خانوار با متوسط درآمد خانوارهای جامعه مقایسه می‌شود. در این روش موضوع توزیع درآمد در تمام جامعه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. اگر رشد اقتصادی باعث افزایش درآمد تمام طبقات و گروه‌های درآمدی جامعه به یک نسبت شود، فقر نسبی تغییری نخواهد کرد. اما اگر توزیع درآمد به نفع گروه کم‌درآمد تغییر کند آن وقت می‌توان گفت اصلاحی در وضع فقرا به وجود آمده است (زیاری، ۱۳۷۷: ۸۱). جان بی‌شوب آرایه‌ی سیاست‌های جامع اقتصادی را برای کاهش فقر پیشنهاد می‌کند (BiishopT, 2007). روگی اسد سیاست‌های تأمین اجتماعی (Assaad, 1999) و کیونتین ودون سیاست‌های اشتغال‌زایی و ایجاد صندوق یارانه غیرمستقیم را پیشنهاد می‌کند (Wodon, 2006).

## روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و مؤلفه‌های مورد بررسی، رویکرد حاکم بر فضای تحقیق «توصیفی - تحلیلی» است. جامعه‌ی آماری مناطق شهری و روستایی استان یزد بوده که اطلاعات مورد نیاز از نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار شهری و روستایی (۱۳۸۱) استخراج گردیده است. ابتدا دهک‌های هزینه‌ای از طریق خانوارهای جامعه‌ی نمونه بر اساس هزینه‌ی سرانه طبقه‌بندی شده محاسبه گردیده، سپس مقدار دریافت سرانه‌ی روزانه ارزش‌های غذایی عمده برای دهک‌های هزینه‌ای از طریق ضرب ماتریس مقادیر کالاهای خوراکی در ماتریس ارزش‌های غذایی استاندارد به دست آمده است. در نهایت با استفاده از روش‌های رونتري<sup>۱</sup>، منحنی لورنز<sup>۲</sup>، ضریب جینی<sup>۳</sup>، شکاف فقر و شاخص آمارتیاسن<sup>۴</sup> و کاکاوانی<sup>۵</sup> به اندازه‌گیری توزیع درآمد و خط فقر و پوشش فقر مبادرت شده است.

## توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی استان یزد

بررسی چگونگی توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی یکی از روش‌های ارزیابی سیاست‌های عدالت اجتماعی و تحقق برنامه‌های فقرزدایی است. به منظور سنجش وضعیت توزیع درآمد در استان یزد و مقایسه‌ی آن با کشور از روش حسابی (دهک‌ها) و روش جبری (ضریب جینی) استفاده شده است. جدول شماره (۱) نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۱ در مناطق شهری و روستایی استان یزد سهم ۱۰ درصد فقیرترین افراد از درآمد استان به ترتیب ۲/۶ و ۱/۸ درصد بوده است. در حالی که سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین افراد (دهک دهم)، ۲۸/۷ و ۳۲/۶۹ درصد بوده است. این ارقام در کشور ۲/۱۴ و ۲/۲۸ درصد در دهک اول، ۳۳/۲۳ و ۳۰/۶۶ درصد در دهک دهم از سهم درآمد ملی بوده است. در سطح استان درآمد ده درصد ثروتمندترین جمعیت به ده درصد فقیرترین جمعیت در مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۱۱/۰۴ و ۱۸/۱۶ درصد بوده است. این ارقام در سطح کشور ۱۵/۵ و ۱۳/۴ درصد می‌باشد. ارقام فوق بیانگر آن است که توزیع درآمد در نقاط شهری استان یزد نسبت به نقاط شهری کشور از وضعیت نسبتاً خوبی برخوردار است. اما در نقاط روستایی وضعیت کشور بهتر از استان یزد می‌باشد. در واقع هر چه از دهک اول به طرف دهک‌های پایین برویم نابرابری توزیع درآمد افزایش پیدا می‌کند که بالاترین نابرابری در درآمد کسب شده ده درصد ثروتمندترین جمعیت نسبت به جمعیت‌های پایین درآمدی است.

1-Row tree Method  
2-Lorenz curve  
3-Gina Coefficient  
4-Sen, A  
5- Katakana, N.C

جدول ۱: سهم دهک‌های جمعیت از درآمد جامعه، بر اساس هزینه خانوار  
در نقاط شهری و روستایی استان یزد و کشور ۱۳۸۱

کشور	استان یزد		مناطق دهک‌ها
	نقاط شهری	نقاط روستایی	
۲/۲۸	۲/۱۴	۱/۸	اول
۳/۶۶	۳/۴۲	۲/۵	دوم
۴/۷	۴/۳۹	۳/۳	سوم
۵/۷۲	۵/۳۸	۵/۲	چهارم
۶/۸۳	۶/۴۹	۵/۹	پنجم
۸/۱۶	۷/۷۸	۸/۶	ششم
۹/۸۵	۹/۴۴	۸/۹	هفتم
۱۲/۱	۱۱/۸۲	۱۲/۰۱	هشتم
۱۶/۰۵	۱۵/۹۲	۱۹/۱	نهم
۳۰/۶۶	۳۳/۲۳	۳۲/۶۹	دهم

مأخذ: محاسبات نویسندگان

در جدول شماره (۲) روند نابرابری توزیع درآمد در سطح استان و کشور مورد بررسی قرار گرفته است. داده‌های جدول (۲) گویای آن است که در سال ۱۳۷۵ توزیع درآمد در استان یزد و کشور در وضعیت «نیمه‌متعادل» قرار داشته است زیرا ضریب جینی در نقاط شهری روستایی استان یزد و کشور به ترتیب ۰/۳۸، ۰/۳۳، ۰/۳۶ و ۰/۳۲ بوده و در بین  $0/5 < G < 0/3$  قرار داشته است. ضرایب جینی در تمامی سال‌ها در استان یزد و کشور وضعیت «نیمه‌متعادل» را نشان می‌دهد ولی در همین سال‌ها فراز و فرودهای اندکی صورت گرفته است به عنوان مثال در نقاط شهری استان یزد ضریب جینی از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸ روند افزایشی داشته و از سال ۱۳۷۹ به شدت کاهش پیدا کرده و مجدداً در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۲ روند افزایشی را طی نموده است. اوج نابرابری درآمد در نقاط شهری کشور در سال ۱۳۷۶ و در استان یزد در سال ۱۳۷۷ بوده است. این امر بیانگر آن است که توزیع درآمد در استان یزد متأثر از توزیع درآمد ملی و سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی کشور است. در ارتباط با نقاط روستایی کشور بیشترین میزان شکاف و نابرابری در سال ۱۳۷۷ و در استان یزد ۱۳۷۸ بوده است.

جدول ۲: مقایسه ضرایب جینی توزیع درآمد در نقاط شهری و روستایی  
استان یزد و کشور در سال‌های ۸۱-۱۳۷۵

کشور	استان یزد		سال
	نقاط شهری	نقاط روستایی	
۰/۳۲	۰/۳۶	۰/۳۳	۱۳۷۵
۰/۳۳۹	۰/۴۳	۰/۳۷	۱۳۷۶
۰/۴۱۸	۰/۴۱۵	۰/۳۶	۱۳۷۷
۰/۴۱۱	۰/۴۱۳	۰/۴۳	۱۳۷۸
۰/۴۱	۰/۴۱۱	۰/۴۲	۱۳۷۹
۰/۴۰	۰/۴۱۷	۰/۴۱	۱۳۸۰
۰/۳۹	۰/۴۱۸	۰/۴۱	۱۳۸۱

#### محاسبه خط فقر برای شهرنشینان استان یزد

از نتایج تفصیلی سرشماری درآمد و هزینه‌ی خانوار شهری برای تعیین خط فقر مبادرت گردید. بدین صورت که ابتدا ماتریس مقادیر کالاهای خوراکی را که از ۴۰ قلم عمده مواد خوراکی تشکیل شده است در ماتریس ارزش‌های غذایی استاندارد ضرب شده و مقدار دریافت سرانه‌ی روزانه ارزش‌های غذایی عمده برای دهک‌های هزینه‌ای به دست آمده است. دهک‌های هزینه‌ای از تفکیک کل جامعه‌ی نمونه براساس هزینه‌ی سرانه طبقه‌بندی شده به ده قسمت برابر از نظر تعداد خانوار تقسیم گردیده است. در نتیجه دهک اول شامل ده درصد از فقیرترین خانوارها می‌شود و هرچه به سمت دهک‌های بالاتر می‌رویم خانوارها ثروتمند می‌شوند تا بالاخره دهک دهم ده درصد ثروتمندترین خانوارها را تشکیل داده‌اند. با توجه به نیاز انرژی افراد مختلف درون یک خانوار و بعد خانوار، مقدار لازم سرانه‌ی روزانه‌ی کالری (با توجه به سهم وزنی گروه‌های سنی مختلف جمعیت استان در سال ۱۳۸۱) به میزان ۲۲۵۷ کیلوکالری برآورد شده است. بر اساس جدول شماره‌ی (۳) ملاحظه می‌شود که جایگاه شاخص ۲۲۵۷ کیلوکالری بین متوسط کالری دریافتی دهک سوم (۱۹۵۰ کیلوکالری) و متوسط کالری دریافتی دهک چهارم (۲۳۸۷ کیلوکالری) قرار دارد. در نتیجه محاسبه‌ی خط فقر بر اساس دریافت سرانه‌ی روزانه ۲۲۵۷ کیلوکالری برای نقاط شهری استان یزد در سال ۱۳۸۱ به شرح زیر خواهد بود:

متوسط مقدار کالری مورد مصرف خانوارهای دهک سوم که زیر معیار حداقل انرژی است:

$$CALD_3 = 1950$$

متوسط مقدار کالری مورد مصرف خانوارهای دهک چهارم که بالای معیار حداقل انرژی است:

$$CALD_4 = 2387$$

$$CALD_4 - CALD = 2387 - 2257 = 130 \quad \text{مازاد کالری دهک چهارم:}$$

$$CALD_4 - CALD_3 = 2387 - 1950 = 437 \quad \text{فاصله کالری دو دهک سوم و چهارم:}$$

با محاسبه‌ی شاخص حداقل کالری بین دو دهک فوق، حدود ۳۷ درصد افراد در نقاط شهری استان یزد زیر خط فقر قرار می‌گیرند. برای محاسبه‌ی ریالی خط فقر با توجه به هزینه‌های خانوارها در دهک‌های مختلف و قیمت ضمنی هر کیلوکالری دریافتی برای دهک‌ها، می‌توان جایگاه ریالی شاخص ۲۲۵۷ کیلوکالری را که همان شاخص ریالی خط فقر است، مشخص نمود. بنابراین با استفاده از قیمت ضمنی کالری و یا یک تناسب مستقیم محاسبه‌ی خط فقر ریالی به طور تقریبی عبارت است از ۱۸۴۵۱۰۹ ریال خواهد بود که به صورت سالیانه بیان شده است. می‌توان خط فقر سرانه‌ی سالیانه‌ی شهری به خط فقر ماهانه‌ی خانوار (متوسط بعد خانوار ۴/۵) به ترتیب زیر تبدیل نمود:

$$1845109 \times \left(\frac{4/5}{12}\right) = 691916 \quad \text{خط فقر ماهانه خانوار شهری به ریال}$$

رقم بالا نشان می‌دهد که یک خانوار با بعد ۴/۵ که متوسط جامعه‌ی شهری استان یزد است، با انجام هزینه‌ای حدود ۶۹۱۹۱۶ ریال در ماه قادر خواهند بود هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی برای امرار معاش زندگی خود را تأمین نمایند.

جدول ۳: هزینه کل سرانه و کالری دریافتی برحسب گروه‌های ده درصدی دهک‌ها

در مناطق شهری استان یزد ۱۳۸۱

شرح	متوسط	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم
هزینه کل	۲۹۵۰۹۵۵	۸۹۵۰۰۰	۱۲۹۵۰۷۰	۱۶۲۷۸۱۶	۱۹۳۸۲۳۵	۲۲۸۹۱۷۹	۲۸۳۲۰۰۰	۳۵۸۳۳۳۳	۴۳۷۸۷۷۷	۵۷۱۳۶۳۶	۶۷۱۸۸۷۷
کیلوکالری دریافتی	۲۷۴۲	۱۴۰۸	۲۱۰۹	۱۹۵۰	۲۳۸۷	۲۷۲۳	۲۷۷۱	۲۹۵۶	۳۳۴۵	۳۰۷۱	۵۶۸۲
قیمت ضمنی	۱۷۷	۱۶۹	۲۱۸	۲۴۶	۲۳۵	۲۸۱	۳۱۲	۳۵۹	۴۷۰	۴۳۵	۵۸۰

مأخذ: محاسبات پژوهش بر مبنای نتایج تفصیلی هزینه و درآمد خانوار و مقدار سرانه کالری دریافتی و ماتریس ارزش‌های غذایی

### محاسبه‌ی خط فقر برای روستاییان استان یزد

با بهره‌گیری از اطلاعات خام نتایج تفصیلی درآمد و هزینه‌ی خانوارهای روستایی استان یزد در سال ۱۳۸۱، و با روش مشابه به کار گرفته شده در نقاط شهری، به محاسبه‌ی خط فقر برای نقاط روستایی استان یزد مبادرت می‌گردد. براساس جدول شماره (۴) شاخص ۲۲۵۷ کیلوکالری مابین کالری دریافتی دهک دوم (۱۸۳۴ کیلوکالری) و دهک سوم (۲۷۶۰ کیلوکالری) قرار دارد. بنابراین محاسبه‌ی خط فقر بر اساس دریافت سرانه‌ی روزانه ۲۲۵۷ کیلوکالری برای روستاییان استان یزد در سال ۱۳۸۱ به صورت زیر می‌باشد:

مقدار کالری دهک دوم که زیر معیار حداقل انرژی است:  $CALD_2 = 1834$

مقدار کالری دهک سوم که بالای معیار حداقل انرژی است:  $CALD_3 = 2760$

مازاد کالری دهک سوم:  $CALD_3 - CALD_2 = 2760 - 1834 = 926$

فاصله کالری دو دهک دوم و سوم:  $CALD_3 - CALD_2 = 2760 - 1834 = 926$

کمبود کالری دهک دوم:  $CALD - CALD_2 = 2257 - 1834 = 423$

با محاسبه‌ی محل کالری بین دهک دوم و سوم، حدود ۲۴/۶ درصد افراد جامعه‌ی روستایی زیر خط فقر قرار می‌گیرند. بنابراین با استفاده از تناسب ساده، خط فقر سرانه‌ی سالیانه محاسبه شده برابر با ۶۳۷۰۷۶ ریال است که با تبدیل آن به خط فقر ماهانه‌ی خانوار روستایی (با متوسط بعد ۴/۴ نفر) به صورت زیر می‌باشد:

$$637076 \times \left(\frac{4/4}{12}\right) = 233594 \quad \text{ریال}$$

ارقام فوق نشان می‌دهد که درصد افراد روستایی زیر خط فقر در مقایسه با درصد شهرنشینان ۱۲/۴ درصد کمتر می‌باشد و روستاییان با  $\frac{1}{3}$  هزینه‌های خانوار شهری می‌توانند هزینه‌ی زندگی خود را تأمین نمایند.



## جدول ۴: هزینه‌ی کل سرانه و کالری دریافتی برحسب گروه‌های ده درصدی دهک‌ها

## در مناطق روستایی استان یزد ۱۳۸۱

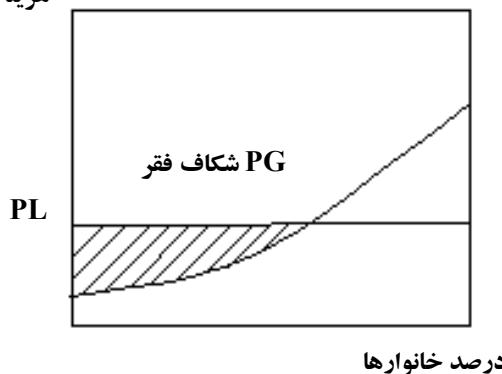
شرح	متوسط	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم
هزینه کل	۱۹۷۴۹۳۷	۴۰۱۸۹۷	۵۵۳۳۸۱	۷۳۶۵۰۰	۱۱۷۰۳۷۰	۱۳۳۳۷۵۰	۱۹۱۸۷۵۰	۲۰۰۱۲۶۵	۲۶۸۱۰۱۲	۴۲۶۰۳۰۹	۷۲۶۵۰۳۱
کیلوکالری دریافتی	۳۲۸۱	۱۱۵۹	۱۸۳۴	۲۷۶۰	۲۶۰۹	۴۲۸۰	۳۷۶۴	۳۶۴۲	۵۷۴۶	۴۲۵۹	۵۲۴۵
قیمت ضمنی	۲۱۸	۱۸۶	۲۰۲	۱۶۹	۲۱۸	۱۶۲	۱۷۴	۲۴۲	۱۹۶	۲۵۹	۳۲۷

مأخذ: محاسبات نویسنندگان بر مبنای نتایج تفصیلی هزینه و درآمد خانوار و مقدار سرانه‌ی کالری دریافتی و ماتریس ارزش‌های غذایی

## بررسی شکاف فقر در استان یزد

با تعیین خط فقر، درصد افراد زیر خط فقر در هر جامعه‌ای مشخص می‌گردد و لیکن شاخصی که بتواند عمق فقر را نشان دهد شکاف فقر می‌باشد. این شاخص درآمدهای زیر خط فقر را از خط فقر اندازه‌گیری می‌کند. به عبارت دیگر این شاخص از تفاضل سطح زیر خط فقر و منحنی توزیع درآمد خانوارهای زیر خط فقر به دست می‌آید. در حالت پیوستگی توزیع درآمد، شکاف فقر برابر است با:

هزینه و درآمد



(پژویان، ۱۳۷۸: ۱۱۰-۱۰۹)

$$PG = \int_0^{x^*} (x^* - y) \Delta L(y) dy$$

در رابطه‌ی فوق،  $x^*$  خط فقر،  $L(y)$  تابع توزیع درآمد و  $PG$  شکاف فقر هستند. در حالت عدم پیوستگی توزیع درآمد شکاف فقر به صورت زیر خواهد بود (فتحی‌پور و دیگران، ۱۳۷۹: ۴۵):

$$PG = \sum_{i=1}^{f(x)} (X^* - D_i)$$

$D_i$  متوسط دهک درآمدی و  $F(x)^*$  درصد افراد زیر خط فقر هستند.

با در نظر گرفتن متوسط هزینه‌ی کل دهک‌های شهری که زیر خط فقر هستند، شکاف فقر به صورت زیر برای شهرنشینان استان یزد محاسبه می‌گردد:

$$TCD_1 = ۸۹۵۰۰۰ \quad \text{هزینه‌ی کل دهک اول}$$

$$TCD_2 = ۱۲۹۵۰۷۰ \quad \text{هزینه‌ی کل دهک دوم}$$

$$TCD_3 = ۱۶۲۷۸۱۶ \quad \text{هزینه‌ی کل دهک سوم}$$

$$TCD_4 = ۱۹۳۸۲۳۵ \quad \text{هزینه‌ی کل دهک چهارم}$$

$$PL = X^* = ۱۸۴۵۱۰۹ \quad \text{خط فقر ریالی}$$

$$PG = (1845109 - 895000) + (1845109 - 1295070) + (1845109 - 1627816)$$

$$+ \frac{7}{10} (1845109 - 1800520) = 1748653 / 3$$

با بهره‌گیری از برآورد جمعیت نقاط شهری استان در سال ۱۳۸۱ تعیین شکاف فقر برای شهرنشینان استان یزد به شرح زیر خواهد بود:

$$PG = 1748653.3 \left( \frac{693551}{10} \right) = 121278024500 \quad \text{ریال}$$

شکاف فقر در نقاط شهری نشان می‌دهد که به ۱۲/۱ میلیارد تومان نیاز است تا گروه زیر خط فقر را به خط فقر رساند.

معیار دیگری که به وسیله‌ی آمار تیاسن و کاکاوانی مطرح شده برای تعیین درصد از درآمد افراد بالای خط فقر که بتواند شکاف فقر را بپوشاند به شرح زیر است (پژویان، ۱۳۷۵: ۵۶):

$$P = F(X^*) \frac{X^* - \mu^*}{\mu}$$

در رابطه بالا،  $X^* = PL$  خط فقر،  $\mu$  درآمد متوسط گروه زیر خط فقر،  $F(X^*)$  درصد افراد زیر خط فقر و  $\mu$  درآمد متوسط جامعه است. بنابراین برای شهرنشینان استان یزد در سال ۱۳۸۱ خواهیم داشت:

$$P = \%37 \left( \frac{1845109 - 1397458}{2950955} \right) = 0 / 056$$

یعنی اگر ۵/۶ درصد از هزینه‌هایی را که افراد شهری بالای خط فقر انجام می‌دهند، به افراد شهری زیر خط فقر منتقل کنند، در آن صورت تمامی افراد زیر خط فقر به خط فقر خواهند رسید (از طریق سازمان تأمین اجتماعی و ایجاد صندوق کار فقر). مشابه با روش تعیین شکاف فقر در نقاط شهری استان، به محاسبه‌ی شکاف فقر در نقاط روستایی استان مبادرت می‌شود.

$TCD_1 = 401897$	هزینه‌ی کل دهک اول
$TCD_2 = 552381$	هزینه‌ی کل دهک دوم
$TCD_3 = 736500$	هزینه‌ی کل دهک سوم
$PL = X^* = 637076$	خط فقر ریالی

$$PG = (637076 - 401897) + (637076 - 552381) + \frac{4}{6} (637076 - 594728) = 339354 / 1$$

تعیین شکاف فقر برای روستانشینان استان یزد در سال ۱۳۸۱ با استفاده از برآورد جمعیت نقاط روستایی استان برابر است با :

$$PG = 339354 / 1 \left( \frac{197586}{10} \right) = 6705161920 \text{ ریال}$$

یعنی به مبلغ ۶/۷ میلیارد ریال (۶۷۰ میلیون تومان) نیاز است تا افراد زیر خط فقر در نقاط روستایی استان را به خط فقر برساند. همچنین براساس شاخص آمارتیا سن و کاکاوانی خواهیم داشت :

$$P = \%24 / 6 \frac{(637076 - 487139)}{1974937} = 0 / 019$$

بنابراین اگر ۱/۹ درصد از هزینه‌های (درآمد) افراد بالای خط فقر در نقاط روستایی استان به افراد زیر خط فقر انتقال یابد، همه‌ی افراد فقیر روستایی به خط فقر خواهند رسید (از طریق سازمان تأمین اجتماعی و ایجاد صندوق کار فقر) .

### سیاست‌های فقرزدایی

مهم‌ترین سیاست‌ها و خط‌مشی‌هایی را که باید در جهت فقرزدایی تعقیب نمود تا در همین راستا درآمد افراد افزایش یابد عبارتند از:

#### – روش مالیات‌های منفی بر درآمد

بهترین راه برای نظم بخشیدن به تفکر درباره‌ی برنامه‌های توزیع مجدد درآمد و فقرزدایی، در نظر گرفتن مالیات بر درآمد منفی است که اغلب پیشنهاد می‌شود (میلز و همیلتون، ۱۳۷۵: ۲۴۲). مفهوم این روش این است، همان طوری که دولت از درآمدهای بالاتر از یک حد معین، مالیات بر درآمد دریافت می‌کند، به درآمدهای پایین‌تر از یک حد معین هم کمک‌های مالی می‌کند. برای انجام این کار، مانند روش معمولی مالیات بر درآمد یک نرخ مالیاتی و یک حد معینی درآمد تعیین می‌شود. در واقع اجرای این روش باعث بهبود وضعیت دهک‌های فقیر جامعه می‌شود. بنابراین دولت اگر از دهک‌های ثروتمند جامعه مالیات بیشتری اخذ نماید نابرابری درآمد جامعه کاهش خواهد یافت. معادله‌ی این روش به شرح زیر است (عابدین درکوش، ۱۳۸۱: ۱۳۵-۱۳۴):

$$T = t(y_a - X)$$

در این معادله T: مالیات ( T مقدار کمک‌های مالی)، t: نرخ مالیات،  $y_a$ : درآمد قبل از کسر مالیات، X: حدی از درآمد که مالیات پرداختی در آن نقطه برابر صفر است.

#### – روش استفاده از پرداخت‌های مستقیم به فقرا

این روش، یکی از روش‌های محاسبات کاهش فقر محسوب می‌شود. با بهره‌گیری از مدل‌های پوشش و شکاف فقر مشخص شد که در نقاط شهری و روستایی استان یزد به ترتیب ۱۲/۸ میلیارد تومان و ۶۷۰ میلیون تومان مورد نیاز است که افراد زیر خط فقر به خط فقر برسند یعنی اگر هزینه‌های ۵/۶ درصد درآمد افراد بالای خط فقر در نقاط شهری و ۱/۹ درصد در نقاط روستایی استان به افراد زیر خط فقر انتقال یابد همه‌ی افراد فقیر به خط فقر خواهند رسید و تعادل و برابری تقریباً نسبی در توزیع امکانات و ثروت ایجاد خواهد شد. با توجه به شرایط ایران به لحاظ تورمی، این سیاست توصیه نمی‌شود.

**– روش گسترش دارایی‌های تولیدی طبقات فقیر**

یکی از روش‌های مهم اجرای سیاست‌های کاهش فقر افزایش دسترسی طبقات فقیر به دارایی‌های تولیدی است. این روش در روستاها مشخصاً از طریق اصلاحات اراضی و در مناطق شهری به وسیله‌ی واگذاری تدریجی برخی کارخانجات به طبقات فقیر به کار گرفته می‌شود. ضمناً باید این نکته را مدنظر قرار داد که واگذاری به صورت مرحله‌ای انجام گیرد تا شرکت‌ها از لحاظ مدیریت دچار مشکل نشوند.

در مورد شرکت‌های بزرگ، در نخستین مرحله، واگذاری سهام آنها به کارکنان مطرح می‌شود. البته اگر هدف اصلی از اجرای این سیاست کاهش فقر باشد، قاعدتاً سهام مذکور باید با اولویت طبقات فقیر میان آنها توزیع گردد. این عمل باعث می‌گردد تا خانوارهای فقیر علاوه بر در اختیار گرفتن سرمایه‌ای جدید بتوانند با استفاده از سود حاصله از سهام، درآمد خود را نیز افزایش داده بتوانند فقر موجود را تقلیل دهند (متوسلی و صمدی، ۱۳۷۸: ۷۸).

**– روش تغییر در توزیع درآمد**

این روش که چگونه تغییر در توزیع درآمد روی فقر تأثیر می‌گذارد به چگونگی توزیع درآمد اضافی ناشی از رشد در داخل کشور بستگی دارد. در اصل اگر رشد اقتصادی همراه با افزایش درآمد فقیرترین افراد باشد، رشد درآمدهای مردم فقیر سریع‌تر از درآمد افراد متوسط خواهد بود. به همین ترتیب، اگر رشد اقتصادی همراه با کاهش سهم درآمدی فقیرترین خانوارها باشد، رشد درآمدهای مردم فقیر کمتر از رشد درآمد متوسط کشور خواهد بود. این موضوع برای فقرا هم مصداق دارد.

در واقع هرگاه توزیع درآمد در کشورها متعادل‌تر باشد؛ در یک نرخ رشد اقتصادی معین، فقر با سرعت بیشتری کاهش می‌یابد. به عنوان نمونه، رشد اقتصادی در اوگاندا همراه با متعادل‌تر شدن درآمدها به کاهش سریع‌تر فقر منجر شد (بانک جهانی، ۱۳۸۱: ۱۲۳).

**– روش بهبود فرصت‌های شغلی برای فقرا**

شکی نیست که یکی از علل اساسی ایجاد و گسترش فقر در جامعه و خانوارها کمبود فرصت‌های شغلی و بیکاری افراد فعال خانوار است. بنابراین ایجاد اشتغال برای این گونه افراد می‌تواند نقش مؤثری در کاهش فقر در جامعه ایفا نماید.

### نتیجه‌گیری

امروزه فقر و نابرابری مهم‌ترین چالش جامعه‌ی بشری محسوب می‌گردد. در این بررسی چگونگی توزیع درآمد و تبیین خط فقر در استان یزد مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. برابر بررسی‌های صورت گرفته در استان یزد توزیع درآمد و امکانات در جامعه از شکاف عمیقی برخوردار بوده است. به طوری که دهک‌های درآمدی بیانگر آن بود که ده درصد ثروتمندترین جمعیت به ده درصد فقیرترین جمعیت در مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۱۱/۰۴ و ۱۸/۱۶ درصد بوده است. این ارقام در سطح کشور ۱۵/۵ و ۱۳/۴ درصد بوده است. مقایسه‌ی ضرایب جینی توزیع درآمد در استان یزد و کشور نشان می‌دهد که توزیع درآمد در استان متأثر از توزیع درآمد ملی و برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی کشور است. نتایج به دست آمده از تبیین خط فقر در نقاط شهری و روستایی استان یزد مبین آن است که مقدار خط فقر شهری و روستایی ماهانه به ترتیب ۶۹۱۹۱۶ ریال و ۲۳۳۵۹۴ ریال بوده است که حدود ۳۷ درصد از افراد جامعه‌ی شهری و ۲۴/۶ درصد جامعه‌ی روستایی استان زیر خط فقر زندگی می‌کنند. محاسبات حاصل از مدل آمار تیاسن و کاکاوانی نیز نشان داد در صورتی که در جامعه‌ی شهری ۵/۶ درصد و در جامعه روستایی ۱/۹ درصد از هزینه‌هایی را که افراد شهری و روستایی بالای خط فقر انجام می‌دهند به افراد زیر خط فقر منتقل شود در آن صورت تمامی افراد زیر خط فقر به خط فقر خواهند رسید. این کار از طریق شناسایی افراد و ایجاد صندوقی خاص (و نه به صورت نقدی توصیه می‌شود. در نهایت علاوه بر راهبرد فوق، با به‌کارگیری راهکارهایی همچون سیاست مالیات‌های منفی بر درآمد، گسترش دارایی‌های تولیدی طبقات فقیر، تغییر در توزیع درآمد و افزایش و بهبود فرصت‌های شغلی می‌توان نابرابری و فقر را در جامعه‌ی شهری و روستایی استان به حداقل رساند در غیر این صورت نه تنها فقر و نابرابری کاهش نمی‌یابد، بلکه روز به روز این نابرابری و شکاف فقر عمیق‌تر و گسترده‌تر خواهد شد.

### منابع و مأخذ

- ۱- ابوالفتحی‌قمی، ابوالفضل (۱۳۷۰). درآمدی بر شناخت شاخص‌های نابرابری درآمد و فقر، مرکز آمار ایران. تهران.
- ۲- انیستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور (۱۳۸۳). ارزش‌های غذایی کالاهای خوراکی. تهران.
- ۳- بانک جهانی (۱۳۸۱). گزارش توسعه جهانی مبارزه با فقر (۲۰۰۱-۲۰۰۰). مترجم سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. تهران.
- ۴- پروین، سهیلا و راضیه زیدی (۱۳۸۰). اثر سیاست‌های تعدیل بر فقر و توزیع درآمد (مطالعه موردی، سیاست‌های برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران). مجله تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران. شماره ۵۸. تهران.
- ۵- پژویان، جمشید (۱۳۷۸). مطالعه بررسی فقر و شرایط اقتصادی خانوارهای استان تهران، سازمان برنامه و بودجه. تهران.
- ۶- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵). فقر، خط فقر و کاهش فقر، مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسأله فقر و فقرزدایی. جلد اول. تهران.
- ۷- زیاری، کرامت‌اله (۱۳۷۷). مدل‌های تحلیلی فقر، توزیع درآمد و نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره ۴۸. مشهد.
- ۸- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان یزد (۱۳۸۳). سالنامه آماری استان یزد.
- ۹- طاهری، شهنام (۱۳۷۶). توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، تهران. نشر آروین.
- ۱۰- عظیمی، ناصر (۱۳۸۳). مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران. نشر نی.
- ۱۱- عابدین درکوش، سعید (۱۳۸۱). درآمدی به اقتصاد شهری، تهران. مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۲- فتحی‌پور، غلامرضا و دیگران (۱۳۸۰). تحولات سطح رفاه و تعیین خط فقر در استان همدان، همدان. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان.
- ۱۳- کازرونی، علیرضا (۱۳۷۵). تحلیلی بر اندازه‌گیری و منشاء فقر و سیاست‌های فقرزدایی در ایران، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز. سال دوم. شماره مسلسل ۴. تبریز.
- ۱۴- گایه‌ها، آر (۱۳۷۸). طراحی راهبرد کاهش فقر در نواحی روستایی، ترجمه عبدالرسول مرتضوی. مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد سازندگی. شماره ۳۲. تهران. سلسله انتشارات روستا و توسعه.
- ۱۵- گیلبرت، آلن و ژوزف گالگر (۱۳۷۵): شهرها، فقر و توسعه، شهرنشینی در جهان سوم، ترجمه پرویز کریمی ناصری. تهران. انتشارات سازمان شهرداری‌ها.

۱۶- متوسلی، محمود و سعید صمدی (۱۳۷۸). شناخت جنبه‌های اقتصادی سیاست‌های کاهش فقر، مجله تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران. شماره ۵۵. تهران.

۱۷- مرکز آمار ایران (۱۳۸۴). شاخص‌های کلیدی نیروی کار در ایران ۱۳۸۱-۱۳۵۵. تهران.

۱۸- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲). نتایج تفصیلی آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای نقاط شهری ۱۳۸۱. تهران.

۱۹- \_\_\_\_\_ . نتایج تفصیلی آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای نقاط روستایی ۱۳۸۱، تهران.

۲۰- میلیز، ادوین و بروس همیلتون (۱۳۷۵): اقتصاد شهر، ترجمه عبدالله کوثری. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران. تهران.

21- Assaad, Roguo (1999). Poverty and Poverty Alleviation Strategies Social Science, Vol .11. No, 23.

22- Bishop, John (2007). Inequality and poverty , Research on Economic Inequality, Vol. 4, No.10.

23- Wodon, Quentin, (2006). Participatory Approaches to attacking Extreme Poverty, World Bank Working Paper.